



محببت بیان زمزمی

اسدالله خدایمی

ناشر: پیام حجت

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۶

مقدمه

در جستجوی محبت

ستایش خدای را که شالودهٔ آفرینشش، بر پایهٔ محبت است و
محبتش، خمیرمایهٔ کائنات.

خدایی که محبوب ازلی است و حُب او نیاز نفس است و دل،
شیدای عشق اوست.

ای یار ناگزیر که دل در هوای توست

جان نیز اگر قبول کنی هم برای توست

غوغای عارفان و تمنای عاشقان

حرص بهشت نیست، که شوق لقای توست^۱

پس؛ قسم به عشقش که عالمیان به عشق او باقی‌اند، و محبت او
سرمایهٔ دل عارفانیست که سرشار از مهر محبوبند.

مثال عاشق و معشوق همچو شمع و پروانه است که پروانه بد
دور شمع پروا می‌کند و از سوختن پروا نمی‌کند.

۱. سعدی، غزلیات، ص ۱۵۶، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر

کار ساز است و حلال مشکلات، نه عشق‌های دروغین که
رنگارنگند، اما پررنگ.

عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود^۱

عشق و محبت انسان‌ها یا به خدای لایزال است و یا به ائمه
هدی - که عشق ورزیدن به آنها زمینه‌ساز عشق به خداوند
باری تعالی است. نوع دیگر هم عشق و محبت در ارتباط بین
انسان‌ها است که اگر بر پایه الفت و هم‌نوع بودن و رنگ سیقه
الهی داشتن باشد، خداوند خواهان این‌گونه عشق و محبت است و
مصدق «هل الدین الا الحب»^۲ می‌باشد.

پیامبران و ائمه هدی علیهم‌السلام بنیانگذاران جامعه دینی در سایه سار
محبت بودند، بالاخص پیامبر رحمت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به
عشق معبود تمام ناملایمات را به جان خویش خرید و از «لات و
هبل و عزی» که از مصادیق الحاد بودند دوری گزید و راه حقیقت را
برگزید. این گزینش‌ها و سنجش‌ها به سبب سرمایه عظیم محبت
بود.

جان من مگر عاشقی مردانه باش پیش شمع روی او پروانه باش
ز آب و آتش بسهر او پروا مکن ورنه رو در عاشقی پروا مکن^۳

۱. مثنوی معنوی

۲. از امام محمد باقر، روضه کافی، ص ۸۰

۳. مثنوی طاق‌دیس، ص ۲۸۴